

تشکیلات خودگردان و انتفاضه

□ حسن خداوردی *

تاریخچه

انتفاضه واژه ای است که از سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ ه. ش) وارد فرهنگ انقلابی، سیاسی مصطلح روزمره شده است. ناپیش از این زمان لفظ انتفاضه فقط در کتابهای لغت مشهود بود ولی با خیزش توده‌های مسلمان فلسطین و استمرار آن، امروز شاید کمتر کسی باشد که نسبت به انتفاضه (قیام اسلامی فلسطین) بی اطلاع باشد. (۱)

انتفاضه از نظر لغوی یعنی جنبش و لرزش و حرکتی که همراه با نیرو و سرعت باشد. از نظر سیاسی و اجتماعی انتفاضه یا قیام عبارت است از رفتار و عملکرد معترضان و شجاعانه مستمر مردم غیر مسلح فلسطین در قبال رژیم اسرائیل.

بدیهی است که عامل تعیین کننده انتفاضه متکی بر حضور آگاهانه و عملی مردم است و اگر نقش مردم را از قیام حذف نمایم، قیام عملاً مفهومی نداشته و در واقعیت به منصفه ظهور نخواهد رسید. قیام و انتفاضه و انقلاب از نظر مفهوم دو واژه نزدیک به هم هستند. مقدمه هر انقلابی قیام می باشد. فلسطینیان معترض و خشمگین نسبت به نیروهای اشغالگر در مقابل صهیونیست ها از سنگ استفاده می کنند. و با پرتاب سنگ به طرف اشغالگران از خودشان دفاع می کنند به همین جهت از انتفاضه به عنوان انقلاب سنگ یاد می شود.

اولین انتفاضه که از سال ۱۹۸۷ شروع شد و تا سال ۱۹۹۱ ادامه پیدا کرد به عنوان

انتفاضه بزرگ یاد می شود و دومین انتفاضه که هم اکنون جریان دارد به «انتفاضه الاقصی» مشهور گشته است.

در اینجا به طور اختصار به انتفاضه بزرگ (۱۹۸۷) اشاره و سپس به بررسی تحلیلی انتفاضه الاقصی (۲۰۰۰) پرداخته خواهد شد.

انتفاضه بزرگ

در دسامبر ۱۹۸۷ در پی جریان یک حادثه رانندگی در جنوب اسرائیل، چند تن از کارگران فلسطینی کشته شدند. همین امر به آغاز شورش ها در اردوگاه های آوارگان در نوار غزه انجامید که به کرانه باختری سرایت کرد. سازمان آزادیبخش فلسطین که مقر آن در آن زمان در تونس بود، به شدت غافلگیر شد. اما عرفات بلافاصله به خود آمد و هدایت خشونت ها را با موفقیت به دست گرفت. این مبارزات که با سنگ پراکنی همراه بود، تبدیل به یک مبارزه ملی شد. پس از کنفرانس

مادرید در سال ۱۹۹۱ بود که شورش ها فروکش کرد و توافق اسرائیل - سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ به استقرار دولت خودگردان فلسطین و عقب نشینی اسرائیل از شهرهای مهم نوار غزه و کرانه باختری و سرانجام برقراری حاکمیت عملی حکومت خودگردان به برخی از مناطق منتهی گردید. (۲)

شعله های انتفاضه با آغاز مذاکرات صلح اسرائیل - فلسطین به خاموشی گرایید ولی به دلیل این که فلسطینیان نتوانستند از طریق مذاکره به حقوق خود دست یابند پس از گذشت ۷ سال دوباره به انتفاضه روی آورده اند آنها به این نتیجه رسیده اند که حقوق آنان تنها از طریق مبارزه و قیام انتفاضه محقق خواهد گردید. برای هر تحول اجتماعی (قیام، انقلاب، کودتا) مقدمه و پیش زمینه هایی لازم است. بر همین اساس دور جدید انتفاضه نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد.

۳- به تعویق انداختن اعلام کشور مستقل فلسطین: بر اساس توافق نامه وای ریور (سپتامبر ۱۹۹۹) قرار بود در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۰ کشور مستقل فلسطین اعلام شود. اما این امر بر اثر فشارهای سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا به تعویق افتاد. این امر باعث گردید که مردم فلسطین از روند مذاکرات قطع امید کنند، چرا که مردم فلسطین شاهد آنند که ۷ سال از امضای پیمان اسلو (۱۹۹۳) می گذرد اما فلسطینیان بدون دستیابی به حقوق حقه خود، همچنان در حالت «نه جنگ، نه صلح» به سر می برند. فلسطینیان با به تعویق انداختن اعلام کشور مستقل فلسطینی دریافتند که به آن به آرزو و آرمان خود که همان زندگی در کشور مستقل فلسطین می باشد دست نخواهند یافت. لذا سرخورده از مذاکرات سازش، در تلاشند خود سرنوشت خویش را رقم زنند.

۴- سیاست های سرکوبگرانه اسرائیل: فشار رژیم صهیونیستی مبتنی بر

علل و پیش زمینه های دور جدید انتفاضه

۱- پیروزی حزب ا... در جنوب لبنان: یکی از علل و پیش زمینه های دور جدید انتفاضه عقب نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان می باشد. این عقب نشینی طلسم شکست ناپذیری اسرائیل را شکست و پیروزی حزب ا... این مسأله را ثابت کرد که در سایه مبارزه و اتحاد می توان دشمن را شکست داد، حتی اگر این دشمن، دشمنی مقتدر و تا بن دندان مسلحی همچون اسرائیل باشد.

۲- شکست مذاکرات کمپ دیوید دوم: پس از آنکه مذاکرات کمپ دیوید دوم از تیر ماه تا شهریور ۱۳۷۹ و در نهایت بعد از دو هفته مذاکرات طولانی بدون دستیابی به نتیجه ای ناکام ماند، این امر را ثابت کرد که رژیم صهیونیستی حاضر به عقب نشینی از مواضع سخت و اولیه خود نیست و قدس شرقی را به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطین نخواهد پذیرفت و با بازگشت آوارگان فلسطینی به وطنشان مخالف است. (۳)

مقدس، آنجا را نجس کرد. اعتراض شدید مسلمانان به این اقدام تحریک آمیز شارون به درگیریهای خونینی انجامید. به دنبال کشتار مسلمانان در مسجدالاقصی دور جدید انتفاضه آغاز گردید.

بررسی تحلیلی دور جدید انتفاضه

ورود آریل شارون رهبر حزب لیکود اسرائیل و قصاب معروف اردوگاههای فلسطینی صبرا و شتیلا به مسجدالاقصی در روز پنج شنبه ۷ مهر ۱۳۷۹ و سخنرانی او در جمع اطرافیان مبنی بر مشروعیت حقوق اسرائیل نسبت به مسجد مزبور موجی از خشم و نفرت در میان فلسطینیان ایجاد نمود و خیلی سریعتر از حد تصور سراسر سرزمینهای اشغالی را فرا گرفت.

برای تحلیل این حادثه، چند سناریو می توان در نظر گرفت که عمده ترین آنها به قرار زیر است:

۱- اسرائیلی ها از عواقب ورود شارون به مسجدالاقصی آگاه بودند و برای آنها قابل پیش بینی بود و تعمداً

تحقیر فلسطینی ها به عنوان شهروندان درجه دو، تبعید و اخراج آنها، ضرب و شتم و تخریب خانه ها و... جملگی فشارهای متراکمی بودند که فلسطینی ها را به واکنش فرامی خواند. سیاست های اسرائیل در از بین بردن هویت اسلامی-عربی فلسطین و تثبیت، ماهیت صهیونیستی در این سرزمین نیز یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری دور جدید انتفاضه است.

۵- دیدار شارون از مسجدالاقصی: تمامی عوامل فوق پیش زمینه های دور جدید انتفاضه به شمار می رود اما علت نهایی آغاز انتفاضه، دیدار آریل شارون رهبر حزب لیکود از مسجدالاقصی است. روز ۱۳۷۹/۷/۷ شارون به همراه ۳۰۰۰ سرباز ارتش رژیم صهیونیستی وارد مسجدالاقصی گردید. این امر موجب جریحه دار شدن احساسات مسلمانان گردید چرا که بنا بر گفته یکی از فلسطینیان شارون از مسجدالاقصی دیدار نکرد بلکه وی با ورود خود به این مکان

۳- خشم فلسطینیان را سریعاً سرکوب کنند و نوعی سرخوردگی در فلسطینیان به وجود آورد.

۴- سیاستمداران و دولتمردان عرب از حمایت از عرفات دست بکشند و در مذاکرات آینده به سازش تن در دهند.

۵- تلویحاً به عرفات و دولت خودگردان او بفهمانند که باید دست از مقاومت بی حاصل بردارند.

۶- گروههای مخالف مذاکره دولت خودگردان با اسرائیل هم دست از مخالفت بردارند.

۷- عرفات از اعلام دولت مستقل فلسطینی در نوامبر ۲۰۰۰ منصرف گردد، یا این امر را به بعد از توافق بر سر شهر بیت المقدس و مسجدالاقصی موکول کند.

۸- تشکیلات خودگردان را وادار به امتیازدهی در قبال مسئله قدس کند.

۹- سرخوردگی بعد از عقب نشینی از جنوب لبنان را التیام بخشد.

با این حال این احتمال نیز وجود دارد که شارون رأساً اقدام نموده و این عمل

شارون را برای انجام این مأموریت روانه ساختند.

۲- اسراییلی ها قدرت پیش بینی اعتراضات را نداشتند و لذا فلسطینیان از موقعیت ایجاد شده استفاده کرده انتفاضه جدید را به راه انداختند. (۴)

سناریوی اول:

شارون با هماهنگی و موافقت ایهود باراک نخست وزیر اسرائیل به این اقدام دست زد چرا که شارون تحت محافظت ۳۰۰۰ سرباز ارتش اسرائیل پای در مسجدالاقصی گذاشت. این امر مؤید آن است که باراک با اقدام شارون موافق بوده است. چنانچه بین شارون و باراک هماهنگی ایجاد شده باشد، رژیم صهیونیستی اهداف ذیل را دنبال می کرد و به اصطلاح با یک تیر چند هدف را نشانه گرفته بود:

۱- فلسطینیان معترض را به خشم آورد.

۲- آخرین ظرفیتهای مقاومت فلسطینیان تخلیه گردد.

ناشی از ساختار رقابتی درون حاکمیت اسرائیل (میان حزب لیکود و حزب کار) باشد. شارون بر اساس صلاح‌دید جناح افراطی لیکود به این کار مبادرت نمود تا با تحریک فلسطینیان عرصه را بر (باراک و حزب کار) تنگ گرداند و نتیجتاً باراک که فاقد اکثریت در پارلمان (کنست) است در لبه پرتگاه سقوط قرار گیرد.

سناریوی دوم:

حالت دوم این است که اسرائیلی‌ها پیش‌بینی چنین اعتراضات گسترده‌ای را نمی‌کردند. آنها برای سرکوب سریع، و اقدام به حرکتی نمودند که عواقب آن را دقیقاً بررسی نکرده بودند و فلسطینیان هم از موقعیت به وجود آمده بهره‌برداری کردند. عرفات، بعد از عدم حصول نتیجه دلخواه در کمپ دیوید و سپس عدم استقبال اکثر کشور، های جهان از موضوع اعلام دولت مستقل فلسطین در ۲۳ شهریور ماه ۱۳۷۹ منتظر چنین فرصتی بود تا با راه‌اندازی انتفاضه جدید، به اسرائیل

و آمریکا بفهماند که اصرار او در مورد مسجدالاقصی و بیت المقدس یک تصمیم فردی نیست بلکه روح حاکم بر فلسطینیان و اعراب چنین است و این موضوع از پشتوانه نیرومند برخوردار است. ورود شارون بهترین فرصت را برای فلسطینیان بوجود آورد تا در صحنه نبرد ورودی حضور یابند.

از آنجایی که اقدامات رژیم صهیونیستی حساب شده و طبق برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد سناریوی اول به واقعیت نزدیک‌تر باشد. رژیم صهیونیستی در صدد ایجاد درگیری‌هایی بود تا بدین وسیله فلسطینی‌ها را تحت فشار گذارد تا به امتیازات بیشتری دست یابد زیرا در مذاکرات کمپ دیوید، رژیم صهیونیستی از طریق گفتگو توانست در رابطه با مسأله قدس از فلسطینیان امتیاز بگیرد. با این حال سنا، بوی، دهم، انب: نمی‌توان انکار کرد. زیرا مقامات رژیم صهیونیستی انتظار نداشتند که انتفاضه تا بدین حد شعله‌ور و غیرقابل کنترل گردد. اما از

شرایط کنونی نیز در حال کاهش است. هر چند با شکست مذاکرات کمپ دیوید، اندکی بر محبوبیت عرفات افزوده شد اما با تعویق اعلام کشور مستقل فلسطین مقبولیت وی نزد مردم فلسطین رو به کاهش نهاد.

عرفات برای اینکه محبوبیت از دست رفته خود را باز یابد مجبور است از انتفاضه الاقصی که کلیه سرزمین های اشغالی را فرا گرفته است حمایت (ضمنی) کند. به همین جهت یاسر عرفات در یک اقدام نمادین برای آزادی زندانیان حماس و جهاد اسلامی چراغ سبز نشان داد و به دنبال آن مردم که خواهان آزادی زندانیان بودند، زندانیان حماس و جهاد اسلامی را آزاد کردند. اما اگر عرفات در مقابل خواسته مردم مقاومت می کرد ممکن بود از سوی مردم مورد حمله قرار گیرد. از طرف دیگر حمایت ضمنی عرفات از انتفاضه و آزادی زندانیان حماس و جهاد اسلامی، این بهانه را به دست اسرائیلی ها داد که عرفات را مسبب اصلی درگیریها قلمداد

آنجایی که فلسطینیان به این نتیجه رسیده اند که از طریق مذاکره، دستیابی به خواسته هایشان امکانپذیر نیست بنابراین تنها راه حل را در مبارزه و شعله ور شدن انتفاضه می بینند.

حکومت خودگردان و انتفاضه

با وقوع انتفاضه مردمی فلسطین و استمرار آن، تشکیلات خودگردان با توجه به برگ برنده ای که به دست آورد سوار بر موج حوادث شد تا از انتفاضه به عنوان اهرم فشار در مذاکرات صلح با اسرائیل استفاده کند. طبیعی است که تشکیلات خودگردان نمی تواند در مقابل این موج قرار گیرد، زیرا موج جدید انتفاضه یک قیام کاملاً مردمی است که تمامی سرزمین های اشغالی را فرا گرفته است و عرفات نمی تواند آن را کنترل کند. اگر او با انتفاضه مخالفت می کرد به ناچار می بایست در مقابل مردم فلسطین می ایستاد و این امر هرگز به نفع یاسر عرفات نبود. نظر سنجی ها حاکی از آن است که محبوبیت عرفات حتی در

کنند. بنابراین حملات نظامی خود را به دفاتر تشکیلات خود گردان و مردم بی دفاع فلسطین افزایش داد.

تشکیلات خود گردان از دور جدید انتفاضه به طور کامل حمایت نمی کند، بلکه حمایت این تشکیلات بیشتر جنبه نمادین دارد، یاسر عرفات هیچ گاه اقدامات جنبش های انقلابی و اسلامی را در صحنه فلسطین، مورد تأیید قرار نداده است. عرفات به دو دلیل ذیل مجبور است جهت خاموش کردن انتفاضه تلاش کند.

دلیل اول: تشکیلات خود گردان فلسطین بدون اتکا و ارتباط با رژیم صهیونیستی نمی تواند ادامه حیات بدهد زیرا دو منطقه کرانه باختری و نوار غزه که بخشی از حاکمیت آن به صورت ناتمام به تشکیلات خود گردان داده شده، کاملاً نیازمند و وابسته به منطقه اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ است که در اختیار کامل رژیم صهیونیستی است. آب، برق، سوخت و تقریباً تمامی مایحتاج آنها از این منطقه تأمین می شود و بدون

وابستگی به رژیم صهیونیستی نمی توانند ادامه حیات بدهند.

دلیل دوم: تشکیلات خود گردان بر اساس توافق نامه های امضا شده صلح با اسرائیل تعهداتی را پذیرفته است که بر اساس آن باید انتفاضه را کنترل کند. سیاست اسرائیل در قبال کنترل انتفاضه همیشه این بوده است که گروه های مبارز فلسطینی را از طریق خود فلسطینیان (تشکیلات خود گردان) کنترل کند. اسحاق رابین نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی در این مورد می گوید: «فلسطینی ها بهتر از اسرائیل می توانند گروه های مبارز را کنترل و سرکوب کنند، زیرا نه دادگاه عالی دارند و نه گروه های ناظر بر حقوق بشر.» (۵) در اینجا شایسته است به تعهداتی که تشکیلات خود گردان بر اساس موافقت نامه های اسلو و وای ریور برای کنترل انتفاضه متعهد شده است اشاره گردد تا مشخص شود رژیم صهیونیستی تا چه حد در اجرای این سیاست موفق بوده است.

کلی اسراییلی‌ها (شهرک نشینان) در کرانه باختری و نوار غزه (بند ۸)

۷- تأکید مجدد درباره عدم صلاحیت خود در زمینه روابط خارجی، گسترش شهرک‌های یهودی نشین و امنیت شهروندان اسراییل (بند ۲ از ضمیمه شماره ۲ ضمیمه شماره ۵)

۸- موافقت با اختیارات نظامی اسراییل و تنزل اختیارات خود در حد اداره مدنی (بند ۲ از ضمیمه شماره ۲)

۹- پذیرش تردد نیروهای نظامی و غیر نظامی اسراییل از راه‌های موجود در نوار غزه و کرانه باختری.

ب: تعهدات پذیرفته شده عرفات در توافق نامه وای ریور (۷)

۱- اتخاذ تدابیر امنیتی لازم برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی علیه اسراییل و افرادی که تحت حاکمیت طرف اسراییلی هستند (مقدمه بند ۲)

۲- جلوگیری از هر نوع تحریک علیه یکدیگر توسط سازمانها و گروهها یا افراد دیگر (مقدمه بند ۲)

۳- قبول نظارت آمریکابر جریان

الف: تعهدات پذیرفته شده عرفات در توافق نامه اسلو: (۶)

۱- صرف نظر کردن از بخش اعظم خاک فلسطین که در سال ۱۹۴۸ توسط صهیونیست‌ها اشغال گردید. (بند ۱)

۲- موافقت با تشکیل حکومتی خودمختار در نوار غزه و کرانه باختری؛ نه حکومتی مستقل که بر اساس قطعنامه‌های ۱۸۱ و ۲۴۲ شورای امنیت می‌توانست تشکیل گردد. (بند ۱)

۳- موافقت با تجدید آرایش نیروهای اشغالگر قدس در کرانه باختری و نوار غزه؛ نه عقب نشینی از کرانه باختری و نوار غزه (بند ۳)

۴- به رسمیت شناختن دیدگاه اسراییل در مورد آوارگان فلسطینی در سال ۱۹۴۸ و عدم بازگشت آنها به سرزمین‌های اصلی (بند ۳)

۵- قبول تعهدات مبنی بر سرکوب مبارزان فلسطینی با تشکیل یک نیروی پلیس قوی (بند ۸)

۶- قبول مسئولیت اسراییل در دفاع از تهدیدات خارجی و مسئولیت امنیت

برای نابودی آنها.

۴- منحرف نمودن مسیر انتفاضه از طریق ورود به مذاکرات سیاسی و دلخوش نمودن آن دسته از اقلشار فلسطینی که آمادگی کمتری برای مبارزه داشته و چشم امید خود را به مسیر سازش عرفات دوخته بودند.

بنابراین ملاحظه می‌گردد که تشکیلات خودگردان بر اساس توافق نامه‌های صلح و از همه مهمتر جهت ادامه حیات خودش، نباید از انتفاضه حمایت کند و باید حداکثر تلاش خود را برای خاموش کردن انتفاضه انجام دهد. شواهد و قرائن نیز حاکی از آن است که تشکیلات خودگردان برای انجام چنین وظیفه‌ای، در اجلاس پاریس و شرم‌الشیخ حاضر گردید. زیرا هدف از برگزاری این دو اجلاس خاموش کردن شعله‌های انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی بود.

تلاش برای خاموش کردن انتفاضه:

طرفین درگیر (اسرائیل - فلسطین)

طرح‌های طرف فلسطینی در زمینه مبارزه منظم و فعال با سازمانهای جهادی (بند ۱ از بخش ۲)

۴- جمع‌آوری سلاح از میان مبارزین فلسطین و نظارت آمریکا (در حقیقت سیا) بر آن (بند ۲ بخش ۲)

۵- پذیرفتن قانون مبارزه با تروریسم اسراییل و اجرای آن در مناطق خودگردان توسط عرفات (بند ب از قسمت ب بخش ۲)

۶- موافقت با پذیرش لغو منشور ملی

۷- پذیرش موافقت نامه‌های اسلو

ج: دستاوردهای عرفات:

۱- در اختیار گرفتن مسئولیت اداره

مدنی حدود ۴۰٪ از کرانه باختری شامل شهرها و روستاهای پرجمعیت فلسطینی.

۲- پذیرفتن مسئولیت سرکوب

انتفاضه و گروههای جهادی، مانند حماس و جهاد

۳- منحرف نمودن انتفاضه و

جلوگیری از رشد رهبران سیاسی و

نظامی با شناسایی، دستگیری و در برخی

موارد همکاری با مأموران امنیتی اسراییل

این اجلاس با محور اصلی آتش بس میان طرفین اسرائیلی - فلسطینی و با شرکت بیل کلینتون، یاسر عرفات، ایهود باراک، ملک عبدال...، حسنی مبارک و خاویر سولانا (۸) (۱۳۷۹/۷/۲۵) - ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰) در مصر برگزار گردید. علی رغم اختلافات و درگیریهای مقامات اسرائیلی و فلسطینی، طرفین پس از دو روز مذاکره در شرم الشیخ به توافق دست یافتند و در پایان اجلاس بیانیه‌ای صادر نمایند. که به شرح ذیل صادر شد:

۱- هر دو طرف (اسرائیلی - فلسطینی) توافق کردند بیانیه‌هایی در مورد قطع خشونت صادر و تدابیری برای از میان برداشتن آن اتخاذ کنند. همچنین طرفین با بازگشت به شرایط نظامی، امنیتی و ارتباط عملی پیش از شروع بحران، موافقت نمودند.

۲- آمریکا به کمک اسرائیل و فلسطین و با مشورت دبیر کل سازمان ملل یک هیأت حقیقت یاب پیرامون رویدادهای هفته‌های اخیر به منظور پیش گیری از تکرار آنها تشکیل خواهد

پس از گذشت پنج روز از درگیریها در سرزمینهای اشغالی مذاکرات خود را برای پایان دادن درگیریها در پاریس و سپس در شرم الشیخ آغاز کردند. در تشکیل و اداره هر دو اجلاس آمریکا و اتحادیه اروپا، نقش اساسی را ایفا می کردند.

در تاریخ (۱۳۷۹/۷/۱۳) - ۱۴ اکتبر ۲۰۰۰) یاسر عرفات، ایهود باراک، مادلین آلبرایت، ژاک شیراک و کوفی عنان با هدف پایان بخشیدن به درگیریها و خاموش کردن انتفاضه در فرانسه گرد آمدند. اما طرفین بدون دستیابی به توافق نامه‌ای، به طور شفاهی در مورد آتش بس توافق کردند. عرفات شفاهاً تعهد داد و سه بار تکرار کرد که دستور خواهد داد افرادش، اسلحه را زمین بگذارند. اما این اجلاس نتیجه‌ای نداشت و درگیریها همچنان ادامه پیدا کرد.

اجلاس شرم الشیخ از دیگر تلاشهای انجام گرفته جهت خاموش کردن انتفاضه و آرام کردن درگیریها می باشد.

داد. گزارش کمیته را شخص رییس جمهور آمریکا به کمک دبیر کل سازمان ملل و با مشورت طرفهای درگیر تنظیم خواهد کرد. گزارش نهایی پیش از انتشار باید به امضای رییس جمهور آمریکا برسد.

۳- برای بررسی عمیق و ریشه‌یابی بحران اخیر در روابط اسرائیل و فلسطینی باید به مسیر از سرگیری روند صلح بازگشت و برای دستیابی به توافق‌نامه قطعی و نهایی صلح تلاش کرد. چنین توافقی باید بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت بدست آید.

اما برگزاری چنین اجلاسهایی و مذاکرات دوجانبه مقامات امنیتی اسرائیل و تشکیلات خودگردان و همچنین دیدار یاسر عرفات و شیمون پرز وزیر همکاریهای منطقه‌ای و توافقات آنها، توانست موج درگیریها و خشونت را در سرزمینهای اشغالی پایان بخشد، زیرا توافقات انجام گرفته هرگز به مرحله اجرا در نیامد و از سوی هر دو طرف نقض گردید.

علاوه بر برپایی مذاکرات و اجلاس جهت خاموش کردن شعله‌های انتفاضة، رژیم صهیونیستی به ابزارهای دیگری نیز برای نیل به این هدف، متوسل شد. باراک با شعار تشکیل دولت اضطراری با کمک حزب لیکود و ورود آریل شارون به کابینه قصد داشت عرفات را تحت فشار بگذارد تا در صورت عدم کنترل درگیریها (۹) و ورود شارون به کابینه، روند مذاکرات صلح به طور کامل متوقف گردد. در واکنش به این تهدید دولت اسرائیل، نبیل ابوردینه سخنگوی یاسر عرفات اظهار داشت که فلسطینی‌ها آماده‌اند با دولت اسرائیلی که آریل شارون در آن حضور داشته باشد، وارد مذاکره شوند. وی گفت: «ما با دولت اسرائیل توافق کرده‌ایم نه با اشخاص» (۱۰) این اظهارات ابوردینه بیش از یک بلبوف سیاسی نبود، چرا که تشکیلات خودگردان با مواضع شارون و حزب لیکود کاملاً آشناست و واقف است که با ورود شارون به کابینه، مذاکرات صلح متوقف خواهد شد، و

فلسطینی بست، و راه‌های ارتباطی میان شهرهای فلسطینی نیز به دلیل محاصره نظامی ارتش اسرائیل قطع گردید. بر اساس اظهارات عبدالحمید نوفل، مدیر کل بازرگانی در وزارت بازرگانی و صنعت فلسطین، خسارات ناشی از دور جدید انتفاضه ۴۰۰ الی ۴۵۰ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین اسرائیل از ورود کارگران فلسطینی (۱۳۰ هزار کارگر) به سرزمین‌های اشغالی جلوگیری کرد. این امر باعث افزایش میزان بیکاری در مناطق خودگردان به ۳۰ درصد شده است در حالی که قبل از آغاز درگیریها میزان بیکاری ۱۳/۵ درصد بود. (۱۱)

علاوه بر این در اثر فشارهای اقتصادی اسرائیل، برخی از شهرهای فلسطینی از جمله قلقیبه با کمبود برخی کالاهای اساسی، از جمله آرد، علوفه، گاز و سوخت مواجه هستند.

دان مریدور رییس کمیسیون امور خارجه و امنیت کنست (پارلمان اسرائیل) اظهار داشت که: دولت

اگر هم متوقف نشود، شارون هرگز با امتیازاتی که باراک در مذاکرات کمپ دیوید حاضر به اعطای آن به فلسطینیان بود موافقت نخواهد کرد. در نتیجه تلاشهای ۷ ساله تشکیلات خودگردان فلسطین برای دستیابی به توافق نامه صلح و اعلام کشور مستقل فلسطین بدون دستیابی به نتیجه‌ای خاتمه خواهد یافت، و تمام آرزوها و آرمانهای یاسر عرفات (تشکیل کشور مستقل فلسطین) برباد خواهند رفت.

وقتی که تهدید باراک مبنی بر تشکیل دولت اضطراری ضمانت اجرایی خود را از دست داد و برای تشکیلات خودگردان روشن گردید که این مسأله، بیش از یک تهدید برای تحت فشار قرار دادن عسرفات نیست، رژیم صهیونیستی به ترفند محاصره اقتصادی برای به زانو درآوردن فلسطینیان متوسل گردید. برای نیل به این هدف، اسرائیل همه گذرگاههای خروجی مناطق تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان را برای جلوگیری از واردات و صادرات

همین هدف انجام گرفته از سوی دیگر فرار زندانیان حماس و جهاد اسلامی که با تلاش مردم فلسطین به وقوع پیوست، با چراغ سبز تشکیلات خودگردان همراه بود، و این ذهنیت را تقویت کرد که این تشکیلات از ادامه چنین وضعی برای کسب امتیازات بیشتر از مذاکرات راضی است.

به نظر می رسد تشکیلات خودگردان بر سر دوراهی مانده است. در شرایط موجود انتخاب سومی برای عرفات باقی نمانده است. عرفات یا باید انتفاضه را سرکوب کند و در صدد جلب رضایت رژیم صهیونیستی برآید یا باید از انتفاضه حمایت کند و مبارزه با رژیم صهیونیستی را دنبال کند.

تجربه نشان داده که عرفات تشنه قدرت است و به جای آن که به دنبال پیدا کردن راه حلی برای مشکل فلسطین و تحقق آرمانهای ملت فلسطین باشد بیشتر در تلاش است تا چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت را تکیه زند.

از آنجایی که عرفات به حمایت

اسرائیل سیاست محاصره اقتصادی را به گونه ای برنامه ریزی شده و با هدف مجازات یاسر عرفات و جنبش فتح که وی آنرا رهبری می کند بر فلسطینیان تحمیل کرده است. (۱۲) اظهارات دان مریدور و شواهد و قرائن موجود حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی با حربه اقتصادی و افزایش حملات نظامی قصد دارد فلسطینیان را به ستوه آورد و آنها را مجبور به توقف انتفاضه و از سرگیری مذاکرات صلح کند.

نتیجه گیری:

تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری یاسر عرفات تا کنون موضع دوگانه ای را در قبال انتفاضه الاقصی اتخاذ کرده است. عرفات تحت فشار رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا و بر اساس تمهداتی که با امضای توافق نامه های صلح پذیرفته است، مجبور است در جهت خاموش کردن انتفاضه گام بردارد. شرکت عرفات در اجلاس پاریس و شرم الشیخ با هدف دستیابی به

عرفات برای ادامه دادن انتفاضه الاقصی همچنان قوی است، همین امر باعث گردیده است که وی از اعلام دستور صریحی برای توقف انتفاضه خودداری کند. او نمی خواهد قدرت خود را در معرض آزمون قرار دهد. اما این سؤال همچنان باقی است که عرفات تا چه زمانی قادر خواهد بود رضایت هر دو طرف را جلب کند و در صدد برقراری موازنه به نفع خود باشد. پاسخ این سؤال بستگی به شرایط بین المللی، منطقه ای و مسائل پشت پرده ای دارد که بر روابط طرفین درگیر حاکم است.

* کارشناس مؤسسه تحقیقات و

پژوهشهای سیاسی علمی ندا

آمریکا و رژیم صهیونیستی براریکه قدرت تکیه زده احتمال دارد، با ادامه درگیریها و خشونت در منطقه، آمریکا و رژیم صهیونیستی که عرفات را عامل اصلی تداوم انتفاضه تلقی می کنند، به این نتیجه برسند که عرفات دیگر کارآیی خود را از دست داده است بنابراین بهترین راه حل این است که فرد دیگری که قادر به خاموش کردن شعله های انتفاضه باشد و گرایشاتی متمایل به رژیم صهیونیستی و آمریکا داشته باشد بر سر کار آورند. از سوی دیگر شواهد امر بیان گر آن است که گروه امنیتی «تنظیم» وابسته به جنبش فتح به رهبری مروان برغوثی دبیر کل جنبش فتح در کرانه باختری از حامیان اصلی انتفاضه محسوب می گردد و نیروهای تحت فرمان وی با سربازان رژیم صهیونیستی برخورد مسلحانه می کنند. با اذعان به این مسئله، این سؤال مطرح می شود که آیا شرایط فعلی گروه تنظیم دال بر آغاز کشمکش برای جانشینی عرفات است؟ اما از آنجایی که فشار مردمی بر

۹- به اعتقاد مقامات اسرائیلی عرفات مسبب اصلی درگیریها است و تنها عرفات قادر است که درگیریها را کنترل کند.

۱۰- روزنامه جروزالم پست، (۱۳۷۹/۸/۸) - ۲۹ اکتبر (۲۰۰۰)

۱۱- روزنامه الشرق الاوسط، (۱۳۷۹/۸/۲۴) - ۱۴ نوامبر (۲۰۰۰)

۱۲- پیشین.

یادداشت‌ها

۱- کلدیور جمیله، - انتفاضه مقاومت فلسطین.

(تهران: انتشارات اطلاعات ۱۳۷۲)، ص ۱۷.

۲- Benny Moris شاید این آخرین فرصت باشد! هفته نامه لیبراسیون ۱۳ اکتبر ۲۰۰۰ برابر با ۱۳۷۹/۷/۲۳

۳- عدم توافق بر موضوع قدس و آوارگان از مهمترین دلایل شکست مذاکرات کمپ دیوید دوم بود.

۴- دکتر سیف الرضا شهابی- ارزیابی بحران فلسطین- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۹/۷/۲۴

۵- فاینانشیال تایمز، ۲۱ اکتبر ۱۹۹۸

۶- قرارداد اسلو ۱ «اعلامیه اصول و مبانی» این قرارداد در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۳ به عنوان قراردادی عام و فراگیر در واشنگتن به امضا رسید و قرارداد اسلو ۲ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ در واشنگتن به امضا رسید.

۷- موافقت نامه وای ریور در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ در

محل کاخ سفید به امضا رسید. این تفاهم نامه به جهت فشارهای تناباهو و تأکید وی به امنیت به عنوان مهمترین مسئله، به تفاهم نامه امنیتی معروف شد. لازم به توضیح است که کارشناسان مسائل خاورمیانه معتقدند که این توافق نامه تحت نظارت سازمان سیا منعقد گردیده و این امر باعث ایجاد زمینه‌های حضور بیش از پیش سیا در منطقه خواهد شد.

۸- هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا